

خبرنامه جنبش

۱۹

دموکراتیک، سوسیالیستی و اجتماعی مردم ایران

خاک رومی از جنبش دانشجویی با فرا رسیدن ۱۶ آذر

جامعه ایران هنوز از مصیبت زلزله کرمانشاه بیرون نیامده بود که فیل روحانی یاد هندوستان کرد و به سمت محرومترین منطقه کشور یعنی سیستان و بلوچستان عزیمت نمود! مسافرتی که گرچه به بهانه بازگشایی چند پروژه اقتصادی انجام گرفت اما حضور او در دانشگاه سیستان و بلوچستان همراه با وزن کشتی با مخالفین او نیز بود. در مراسم این حضور، دانشگاه انجمن اسلامی دانشجویان پیرو خط امام که نهادی اصلاح طلب می باشد و از حامیان رئیس جمهور در انتخابات ۹۶ محسوب می گردد، انباشت خواسته های خود را از صندوقچه بیرون ریخت و ثابت کرد که مطالبات جنبش دانشجویی همچنان ریشه در تحولات دهه گذشته دارد، این مطالبات خصوصا متأثر از تحولات سال ۸۸ و سرکوبهایی است که به توسط نهادهای حکومتی برای چندین بار جامعه ایران را در انسداد سیاسی فرو برد. که همچنان جامعه دانشجویی را تحت فشار نهادهای رنگارنگ حاکمیت قرار می دهد. پس از انتخابات ۹۶ این اولین باری بود که روحانی در میان دانشجویان قصد حضور در دانشگاه داشت. اما شگردها و برنامه روحانی اینبار بواسطه بینش قوی سیاسی دانشجویان و در شکل بیانه ای که خوانده شد، نقش بر آب گشت؛ «فریاد زدیم حقوق شهروندی، فرجامش شد سپنتا نیکنام و مینو خالقی ها. فریاد زدیم حقوق قومیت ها و مذاهب، فرجام شد نبود حتی یک وزیر اهل سنت در کابینه. فریاد زدیم دانشگاه بی ستاره، فرجامش شد ۲۰۰ ستاره در سپهر سیاسی دانشگاه های ایران. فریاد زدیم آزادی برای همگان، فرجامش شد محدودیت برای کسی که شما را تکرار کرد. فریاد زدیم...»

دانشجویان در کنار مطالبات عام سیاسی و اجتماعی به طرح مطالبات صنفی هم همت گماردند؛ «عدم صدور مجوز اتحادیه های دانشجویی و تشکل های دانشجویی، اعتراض به انتخاب وزیر علوم که قدرت حل مشکلات دانشجویان و دانشگاه ها را فاقد است، اعتراض به نفوذ نهادهای امنیتی خارج از دانشگاه و دخالت آنان در امور دانشگاهی، و پولی شدن دانشگاهها» از جمله مواردی بودند که دانشجویان در حوزه مطالبات صنفی مطرح ساختند.

موارد دیگری که دانشجویان به طرح آن اقدام نمودند شامل؛ حمایت جوانان، زنان، اقوام و اقلیتهای مذهبی در کل کشور و بصورت اخص در استان سیستان و بلوچستان از روحانی بود، که قصد داشتند به روحانی ثابت کنند که پایگاه اجتماعی رای دهندگان تو کیانند و نیز خط و نشانی بود برای برنامه های ۱۴۰۰ او که پس از دوره ریاست جمهوری بدنبال جایگاه مقتضی در قدرت می باشد! وضع وخیم طبقاتی در قشرهای حاشیه نشین و شهرنشین سیستان و بلوچستان و عدم بستر تولید و اشتغال برای شهروندان و بیکاری... و طرح موارد مشابه ثابت می کند که دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان توانسته اند به دولت روحانی نشان دهند که آنچه در این منطقه در حال وقوع است از نگاه تیزبین این دانشجویان بیرون نیست و گرچه در انتخاب او بعنوان رئیس جمهور شریک هستند اما بی مسئولیتی دولت او را و بی تفاوتی نسبت به کارشکنی نهادهای حاکمیت که در دوره ریاست جمهوری روحانی افزایش یافته است قبول ندارند و مورد انتقاد آنان است!

همانطور که در توضیحات فوق مشاهده می کنیم دانشجویان توانسته اند نظرات خود را از مطالبات صرف صنفی به مطالبات عام جنبش ها تعمیم داده و نشان دهند که این جنبش همچنان پتانسیل و استعداد رهبری جنبش های اجتماعی را در طرح مطالبات و خواسته های اجتماعی دارا است. یعنی تحول از مرحله صنفی- صنفی به مرحله صنفی- سیاسی. اگر چه مطالبه گری و طرح مشکلات صنفی در جنبش های اجتماعی بصورت امری مهم و در اولویت حرکت جنبش ها قرار دارد، اما نسبت برخورد و واکنش نهادهای حکومتی با حرکت های صنفی می تواند بستر حرکت جنبش ها با یکدیگر و نیز در میان جنبش ها را وارد مرحله سیاسی نماید که قطعا این پرسش اگر همراه با خودآگاهی صنفی نسبت به وضعیت جنبش ها نباشد بر ضد حرکت جنبش ها خواهد بود. زیرا زمینه ایجاد آگاهی صنفی مسدود می شود و حرکت سیاسی بشکل شور و احساسی به ظهور می رسد. یعنی عکس اتفاقی که ما در بیانیه دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان مشاهده می کنیم. با توجه به اینکه اکثر جنبش های اجتماعی هنوز به مرحله صنفی- سیاسی وارد نشده اند اما جنبش دانشجویی توانسته است بخاطر جایگاه فکری و زمینه عینی و پتانسیل درونی به این مرحله وارد شود.

بنابراین مهمترین رسالت در جنبش دانشجویی و دیگر جنبش ها در نظر گیری و طی کردن پروسه مراحل چندگانه خودآگاهی از مرحله صنفی- صنفی، به صنفی - سیاسی تا سیاسی - سیاسی است. چنین باد

اطلاعیه کانون صنفی فرهنگیان استان قزوین

در اعتراض به پلمپ دفتر کانون

در حالی که انتظار می رفت پس از یک دهه وقفه و انزوای کانون های صنفی در دولت احمدی نژاد، دولت روحانی که با شعار حمایت از فضای باز فعالیت های مدنی روی کار آمد، روی خوش به فعالین مدنی نشان دهد، اقدام مدیرکل سیاسی استانداری قزوین و حراست آموزش و پرورش استان در پلمپ دفتر یک تشکل صنفی و قانونی رنگ نا امیدی را به فعالیت های مدنی پاشید. پیگیری های کانون صنفی استان قزوین نشان می دهد در هیچ یک از استان ها که شرایط مشابهی دارند، چنین رویه ای رخ نداده و این اتفاق می تواند برای استان قزوین هزینه بر باشد؛ چه اینکه برخلاف سیاست های دولت در برخورد با فعالیت های مدنی است. کانون صنفی فرهنگیان استان قزوین با تاکید بر پیگیری مطالبات به حق فرهنگیان و ارج نهادن به فعالیت های صنفی همکاران فرهنگی، ضمن محکوم کردن این عمل فراقانونی برخی از دواير دولتی ادارات و اذتاب آن ها در پشت صحنه جرح و تعدیل نهادهای مدنی، خواستار رفع پلمپ دفتر خود و عودت همه وسایل و لوازم و مجازات آمران و عاملان این رویکرد و حرکت فراقانونی است. امید است دولت برخاسته از آرای ۲۴ میلیون ایرانی مدعی شعار آزادی نهادهای مدنی و تشکل های صنفی در این شرایط حساس منطقه ای و جهانی با تغییر این نوع رویکرد های بجا مانده از دولت های پوپولیستی و امنیتی بتواند در همراه سازی تشکل های صنفی برای رسیدن به حقوق اجتماعی همدل و همراه باشد.

بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

در اعتراض به پلمپ دفتر کانون صنفی فرهنگیان استان قزوین

کانون صنفی فرهنگیان استان قزوین از جمله تشکل های با سابقه عضو شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران است... با وجود این در عملی غیرقانونی مدیرکل سیاسی استانداری قزوین در نامه ای به اداره کل آموزش و پرورش استان فعالیت این کانون را غیر قانونی اعلام کرده و متعاقب آن حراست اداره کل آموزش و پرورش استان نیز با حضور در دفتر کانون نسبت به پلمپ دفتر و پایین کشیدن تابلو اقدام نموده است. گویی مجریان قانون ابتدایی ترین اصول قانون را به فراموشی سپرده اند و نمی دانند که طبق قانون احزاب هر تشکل پس از دریافت مجوز فعالیت، حکم شخصیت حقوقی یافته و برای پلمپ یا تعطیلی آن نیاز به محاکمه قضایی و حکم قانونی دارد و هیچ فرد و نهادی نمی تواند بدون طی مراحل قضایی آنرا پلمپ نماید. و بایستی تشکل مزبور بتواند از موجودیت خود در یک دادگاه عادلانه دفاع نماید. شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران ضمن اعتراض شدید به این عمل غیرقانونی نهادهای زیر مجموعه دولت، حرکت غیرقانونی مدیرکل سیاسی استانداری قزوین و حراست اداره کل آموزش و پرورش استان قزوین، خواهان رفع پلمپ دفتر کانون صنفی فرهنگیان استان قزوین است... متأسفانه دولت روحانی علی رغم وعده ها و ادعاهای مکرر تاکنون تنها اجازه داده است تعداد محدودی تشکل آن هم همسو در نهادهای مدنی در سراسر ایران مجمع عمومی خود را برگزار نمایند و هنوز بسیاری از استان ها در انتظار صدور مجوز پروانه فعالیت و برگزاری مجمع عمومی از سوی وزارت کشور هستند. تشکل هایی نیز که موفق شده اند مجمع عمومی خود را در سال ۱۳۹۵ برگزار نمایند هنوز پروانه فعالیت خود را دریافت نکرده اند. این نوع تعلل دولت در صدور مجوز برگزاری مجمع عمومی و پروانه فعالیت به معنای به حاشیه راندن تشکل های مدنی و مستقل صنفی است و معنای دیگری ندارد. در حالی تشکل های صنفی فرهنگیان زیر فشار های دولت قرار دارند که سایر جریانات و تشکل های نزدیک به دولت و گروه های صنفی و سیاسی به راحتی کنگره و مجمع عمومی برگزار می کنند و دولت برای آنها مجوز مجمع و پروانه فعالیت صادر می کند و اجازه تشکیل حزب و نهاد جدید می دهد. شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران، خواهان پایان دادن به این سیاست های تبعیض آمیز است و بر مشروعیت تشکل های عضو شورا به واسطه داشتن مجوزهای لازم و برخورداری از حمایت بدنه فرهنگیان تاکید می نماید و از دولت می خواهد هر چه زودتر نسبت به گشایش دفتر کانون صنفی فرهنگیان استان قزوین اقدام نموده و با بانیان این اقدام غیرقانونی برخورد قانونی نماید. شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران

معلمان حق التدریس

جمع کنید این کاسه کوزه سیاست زدگی آپ رو... یکی مثل من و دیگر دوستانم اگر قرار باشه بعد ۱۲ سال به هر عنوانی اخراج شیم بست نشینی رو در کف خیابونها شروع میکنیم تا کسانی که مسئولیت کشور بر عهده میگیرند به کار مناسب برامون پیدا کنن... ۱۲ سال جوانیم رو اینجور که آقایون مد نظرشون هست ما هدر دادیم تو آپ... اختلاس میشه درشت درشت اصلا بررسی نمیشه معلم ۱۲ سال سابقه رو الان چند وقت بردید زیر تیغ سیاست... کلافه شدیم... آی مسئول آی مردم ما الان حقوق نگر فتمیم خبر دارید؟... خبر دارید دستمون تو جیب خانواده و فامیل هست؟... خبر دارید با ۷۰۰ تومان فقط میشه نون خشک خورد نه بابا کی خبر داره... موقع انتخابات چه ها که نمیکنید برای رسیدن به مقام و منزلت خوب الان که رسیدید خودی نشان دهید!

از صفحه معلمان در تلگرام

آیا همه ی خشونت علیه ما زنان به جنس مخالفمان بر میگردد؟

هر زمان که پای خشونت علیه زنان به میان می آید، تصویری که در ذهن ما تداعی می شود تحقیر و توهین و کتک توسط مردان است. اما آیا همه ی خشونت علیه ما زنان به جنس مخالفمان بر میگردد؟ آیا این خود ما نیستیم که به همین خشونت ها دامن میزنیم؟ داشتم به نمادهایی که طراحان پوستر از زنها ساخته اند فکر میکردم، به کفش پاشنه بلند قرمز، به دامن کوتاه، به گوشواره و رژ لب و سایه ی چشم، اما آیا ما زنها اینها هستیم؟ آیا ما زنها کفش پاشنه بلند هستیم؟ آیا همه مان رنگ قرمز را دوست داریم؟ یا همه مان لاک میزنیم؟ چرا تصویر آقایان طراح از ما این است؟ چرا می خواهید جذاب و سکسی به نظر برسید آن هم همه جا. مهم همین است: همه جا. چرا به همان میزان که در اتاق خواب سکسی هستید در سوپرمارکت هم باید سکسی باشید. سوال من از شما خانم ها این است. چرا به این خشونت علیه خودتان پایان نمی دهید؟ چرا برای تا سر خیابان رفتن اینهمه وقت صرف میکنید که جذاب به نظر برسید؟ چرا در آتلیه ها تن دختران هشت ساله مایو می پوشانید و از او میخواهید سکسی ژست بگیرد؟ آیا نه اینکه دارید به او کالا بودن را می آموزید؟ آیا درست تر آن نیست که او لباس مورد علاقه ی خودش را بپوشد و عادی ژست بگیرد همان طور که هست؟ شما زمانی که زنی را در میهمانی میبینید، اولین چیزی که درموردش می گوئید چیست؟ اینکه چقدر جذاب است؟ اینکه چقدر زشت است؟ آیا عمل جراحی داشته؟ آیا ورزش میکند؟ رژیم میگیرد؟ لباسش را از کدام برند خریداری کرده؟ فکر میکنم که این ما هستیم که به خشونت علیه خودمان دامن میزنیم، که مدام می خواهیم با سکسی بودن نظر دیگران را به خودمان جلب کنیم، خودمان هستیم که جامعه ی زنان را تبدیل به کارخانه ی تولید کالاها ی لوکس میکنیم. زنهای جذاب تو خالی. ما هستیم که همدیگر را وادار میکنیم تا هزاران عمل جراحی انجام دهیم، تا هزاران جور کرم و مواد آرایشی روی صورتمان بمالیم، که حجم ریملهای سنگین را روی مژه هایمان تحمل کنیم و فکر کنیم که زن بودن فکر نمی خواهد، کتاب نمی خواهد، فهم و شعور و ادراک نمی خواهد. زن بودن تلفیقی از مواد آرایشی است با اندامی که تحسین همه را بر انگیزد و مورد تایید همه باشد. کاش تمام کنیم این عکسهای اینستاگرامی لوکس هنری را، روتوش های مسخره، چشمها بیش از حد درشت و اندام ها باریک و شکننده.

مریم فرهادی

واقعیتی تلخ

زن عشق می کارد و کینه درو می کند... دیه اش نصف دیه توست و مجازات زنایش با تو برابر... می تواند تنها یک همسر داشته باشد و تو مختار به داشتن چهار همسر هستی... برای ازدواجش - در هر سنی - اجازه ولی لازم است و تو هر زمانی خواهی به لطف قانونگذار میتوانی ازدواج کنی... در محبسی به نام بکارت زندانی است و تو... او کتک می خورد و تو محاکمه نمی شوی... او می زاید و تو برای فرزندش نام انتخاب می کنی... او درد می کشد و تو نگرانی که کودک دختر نباشد... او بی خوابی می کشد و تو خواب حوریان بهشتی را می بینی... او مادر می شود و همه جا می پرسند نام پدر



سکوت امروز پرستاران ناشی از رضایت آنان نیست هشدار می دهیم تا قبل از سرریز شدن صبر پرستاران این موانع خدمتی برداشته شود

به گفته دبیرکل خانه پرستار؛ شرایط سخت حرفه پرستاری باعث شده برای جذب نیروی پرستاری در دنیا شرایط خاصی را تعریف کنند، اما متأسفانه در جامعه ما بی توجهی مسئولین سازمان ها و دستگاه های مختلف منجر به این مسئله شده که شرایط کار پرستاری سخت تر شود. شریفی مقدم با اشاره به اختلاف فاحش و بی سابقه در پرداختی ها، گفت: علاوه بر اختلاف فاحش در پرداختی ها تعویق یکساله در همین پرداخت های ناعادلانه نیز مشکلاتی را برای پرستاران به وجود آورده است. وی افزود: نداشتن امنیت شغلی، فرسودگی شغلی و از همه بدتر بی توجهی مسئولین به مشکلات حرفه پرستاری، باعث شده تا موانع خدمتی پرستاران روز به روز تشدید شود. بر زمین ماندن قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری و کمبود شدید نیروی پرستاری به همراه خنثی کردن اثرات قانون ارتقای بهره وری و تحمیل اضافه کار اجباری از جمله مشکلات اصلی حرفه پرستاری است. شریفی مقدم ادامه داد: محروم شدن از مزایای قانون مشاغل سخت و زیان آور منجر به این شده که شاهد کاهش کیفیت خدمات پرستاری شویم که گاهی مردم نیز از این بابت دچار خسارت می شوند. وی افزود: به رغم پیگیری های نمایندگان صنف پرستاری متأسفانه اقدام خاصی از سوی مسئولین مربوطه در ارتباط با رفع موانع خدمتی پرستاران مشاهده نمی شود.

در پی بی توجهی مسئولان دانشگاه علوم پزشکی سبزوار به پرداخت مطالبات پرسنل پرستاری این دانشگاه

به گزارش خبرنگار پایگاه اطلاع رسانی سازمان نظام پرستاری به نقل از یکی از پرستاران معترض، مسئولان دانشگاه علوم پزشکی سبزوار مدت طولانی است که نسبت به پرداخت مطالبات معوقه پرسنل پرستاری این دانشگاه بی توجهی می کنند و این امر باعث فشار مالی زیادی بر این قشر زحمت کش شده است. این پرستار سبزواری گفت: وضعیت به صورتی است که دیگر برای تامین مخارج زندگی مان دچار مشکل شده ایم و توان پرداخت اقساط یا بدهی های خود را نداریم. حال با این شدت استرس و فشار روحی چگونه می توانیم بدون کم و کاست بر بالین بیماران حاضر شده و خدمات شایسته ای ارائه دهیم. وی ادامه داد: چندین بار مراتب اعتراض خود را به گوش مسئولین دانشگاه رسانده ایم اما همچنان هیچ نتیجه ای نگرفته ایم. از این رو تصمیم گرفتیم با تهیه نامه ای اعتراض خود را به گوش رییس جمهور برسانیم. پرستار معترض در مورد خواسته خود گفت: من و همه همکارانم درخواست توجه ریاست و معاونت توسعه و مدیریت منابع دانشگاه به حق و حقوق و زندگی پرسنل تحت امر خود و رعایت عدالت در سطح دانشگاه و دانشگاه های مشابه را داریم. گفتنی است این نامه اعتراضی به دفتر ریاست جمهوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ارسال شده است.

وزارت بهداشت قوانین مصوب مجلس را اجرایی کند

احمد همتی، سخنگوی کمیسیون بهداشت در واکنش نسبت به اظهار نظر های اخیر مبنی بر اینکه بعد از گذشت ۱۰ سال از تصویب قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری، پرستاران از دستگاه های پیگیر اجرایی شدن این قانون ناامید شده اند، گفت: تاکنون هیچ کدام از مصوبات مجلس در حوزه سلامت همچون پزشک خانواده، سیستم ارجاع، پرونده الکترونیک سلامت و بسته های خدماتی چه در بخش پرستاری و چه پزشکی اجرا نشده است. کمیسیون بهداشت پیگیر اجرایی شدن تمام مصوباتی است که با طرح تحول نظام سلامت مرتبط بوده است. هم اکنون در حال گفت و گو با مسئولان وزارت بهداشت هستیم تا این قضیه جا بیفتد که، قوانین مصوبه شده در مجلس باید اجرا شود، کمالینکه بندهایی که در دو دوره مجلس در دو برنامه پنجم و ششم توسعه مصوبه شده است، باید در این دوره از مجلس اجرایی شود. هم اکنون به دنبال راهکاری هستیم تا بتوانیم بعد از این هزینه های حوزه سلامت را کاهش دهیم، که البته وزارت بهداشت به منظور تحقق این مهم زمان بندی اجرای طرح پزشک خانواده، سیستم ارجاع و پرونده الکترونیک سلامت که بخش عمده آن تا سال ۹۷ اجرا می شود، را در دستور کار خود قرار داده است، ضمن اینکه لازم است منابعی که برای اجرای این طرح ها مصوب شده، تخصیص داده شود تا در پی آن مشکلات این بخش کاهش یابد.



مولوی عبدالحمید: فقط اجازه سفر به قم و تهران را دارم

مولانا عبدالحمید عضو اتحادیه جهانی علمای مسلمان گفت که در تهران و سیستان و بلوچستان و قم مشکلی ندارم برای سفر اما برای استان‌های دیگر محدودیت‌هایی وجود دارد. مثلاً مدتی قبل می‌خواستم به خراسان بروم و در تشییع جنازه‌ای شرکت کنم، برخی اشخاص با من تماس گرفتند و از من خواستند که در این مراسم شرکت نکنم و این مشکلات در سایر استان‌ها وجود دارد. من امیدوارم با تدبیر مسئولان دلسوز مشکلات این چینی رفع شود و من به عنوان یک ایرانی فارغ از شیعه و یا سنی بودن مشکلی برای تردد نداشته باشم و برای من شیعه و سنتی تفاوتی ندارد. وی در ادامه افزود هیچ حکمی به صورت رسمی به من ابلاغ نشده است و معمولاً به صورت غیررسمی اعلام می‌کنند که نمی‌توانم به یک شهر برم.

اعترافات دیکته شده در زیر شکنجه

امام جمعه پشامگ با اشاره به بازداشت ۴ ماه پیش ۵ جوان بلوچ که برای اخذ اعترافات دیکته شده تحت شکنجه قرار گرفتند گفت: جوانان در بازداشت تحت فشار هستند تا اعتراف کنند که (مولوی) فضل الرحمن به آنها دستور قتل بسیجی بنام سجادی را داده است. وی افزود: من زمانی که بازداشت بودم یکی از ماموران به من گفت که آقای سجادی کسی است که جوانان را برای دفاع از حرم به سوریه می‌فرستاده کشته شده است. مولوی فضل الرحمن ادامه داد: موضع من در مورد افرادی که به سوریه برای قتل افراد بیگناه و زن و بچه‌های سوریه می‌روند مشخص هست من کارشان را رد می‌کنم و آنها را از اسلام دور میدانم اما من هرگز دستور قتل کسی را نداده و نخواهم داد و با هیچ گروه مسلحی رابطه نداشته و ندارم. لازم به ذکر است که ۵ جوان بلوچ بنام‌های محمد صالح شهداد زهی، محمود شهلای بر، ادریس رکنی، عبدالعزیز رکنی و هاشم زردکوهی که ۱۷ تیر ماه سال جاری توسط وزارت اطلاعات در ایرانشهر بازداشت شدند این افراد در این مدت تحت شکنجه قرار گرفته تا از آنها اعترافات دیکته شده علیه مولوی فضل الرحمن کوهی امام جمعه پشامگ گرفته شود.

شکنجه شدید و کشیدن ناخن‌های افشین حسین پناهی در اداره اطلاعات سنندج

افشین حسین پناهی زندانی سیاسی کرد که در بازداشت اداره اطلاعات شهر سنندج بوده، بشدت مورد شکنجه قرار گرفته و هم‌اکنون هم در زندان سنندج وضعیت جسمی خوبی ندارد. برادر این زندانی سیاسی می‌گوید که تمام اینها برای این بوده که افشین را برای فحاشی و تهمت زدن علیه خانواده اش به تلویزیون بکشانند. اما او زیر شکنجه تسلیم نشده و اینک در زندان سنندج در وضعیت جسمی بدی بسر می‌برد. افشین بر اثر شکنجه از ناحیه سر و زانو و کمر دچار آسیب شدید شده ولی با اینحال از رسیدگی پزشکی محروم است. این فعال مدنی کرد چند هفته پیش از سوی دادگاه انقلاب سنندج به اتهام تبلیغ علیه نظام و برگزاری مراسم نوروز به هشت سال و نیم حبس محکوم شد. قابل ذکر است که افشین حسین پناهی که سابقه همکاری با نهادهای محیط زیستی را در کارنامه خود دارد، در سال ۹۰ طی پیگیری پرونده مرگ مشکوک برادرش «اشرف حسین پناهی» به اتهام «تبلیغ علیه نظام» یک سال را در زندان سپری کرده است. گفتنی است برادر کوچکتر افشین «رامین حسین پناهی» که از فعالان سیاسی کرد است علی‌رغم گذشت بیش از ۱۶۰ روز همچنان در بازداشتگاه اطلاعات سپاه در سنندج نگهداری می‌شود. رامین حسین پناهی، فعال سیاسی در تاریخ اول تیرماه توسط نیروهای سپاه پاسداران بازداشت شد و از آن زمان تاکنون در بازداشتگاه سپاه بسر می‌برد.



آذر هر سال یادآور حوادث فجیع قتل‌های زنجیره‌ای است

عصر ۱ آذر ۱۳۷۷ داریوش فروهر و همسرش پروانه اسکندری، از اعضای حزب ملت ایران و از منتقدان تحول‌خواه، در منزلشان در محله‌ی فخرآباد تهران با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیدند. ۱۲ آذر همان سال محمد مختاری، از اعضای کانون نویسندگان، از منزل خارج شد و دیگر بازنگشت. ۱۸ آذر جسد محمدجعفر پوینده که او هم چون مختاری نویسنده‌ای چپ‌گرا و از اعضای کانون نویسندگان بود پس از ۱۰ روز در روستای بادامک پیدا شد. این قتل‌ها توسط عوامل وزارت اطلاعات به منظور حذف مخالفان و دگراندیشان و اندیشه‌های بدیل انجام گرفت. البته روی هم رفته قتل‌های زنجیره‌ای در طول چندین سال رخ داد و تعداد قربانیان به بیش از هشتاد تن اعم از نویسنده، مترجم و شاعر و فعال سیاسی رسید. این کشتارها و حذف خشونت‌آمیز اعمالی خلق‌الساعه نبودند بلکه باید ریشه‌ی این فجایع را در خشونت‌های روزهای ابتدایی پس از پیروزی انقلاب و دهه ۶۰ جست. از این روست که واکنش‌ها و رفتارهای قهرآمیز در برابر سایر حرکت‌های انتقادی در سال‌های اخیر همچون توقیف مطبوعات، آزار منتقدان و در نقطه‌ی اوج آن سرکوب اعتراضات مردمی در سال ۸۸ را می‌توان تداوم همان خشونت‌ها دانست. گرچه امروز ۱۹ سال از آذر ۷۷ می‌گذرد و بعضی متهمان آن حوادث در دادگاه‌هایی هر چند غیر علنی محکوم شده‌اند اما هنوز این پرونده برای اذهان عمومی باز و سوالات و ابهامات پیرامون آن فراوان اند. در این میان نمی‌توان به نقش بی‌بدیل مطبوعات و فضای نسبتاً باز رسانه‌ای در مطرح شدن و پرسشگری و پیگیری و آگاهی‌بخشی به افکار عمومی پیرامون این پرونده را نادیده گرفت که همانا «آگاهی چشم‌ساز» است. برای عدم تکرار چنین فجایعی علاوه بر فضای آزاد رسانه‌ای و آزادی بیان باید مطالبه‌های جدی برای دادخواهی داشت و بر هر چه بیشتر مردمی و دموکراتیک‌تر شدن نهادهای رسمی و نفی وجود نهادهای فی‌نفسه ضد مردمی همچون سازمان‌های اطلاعاتی موازی تاکید دو چندان کرد. همچنین در چنین شرایطی باید اجرای بدون تنازل قانون اساسی را خواست. اجرای بدون تنازل قانون اساسی یعنی مسئولان در برابر مردم و نمایندگان منتخب آنان پاسخگو باشند و جز آنان دیگری بدهکار نباشند. انجمن اسلامی آرمان دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ایران

دیرباز: میخواهم تمام دانشگاه‌های جهان را تفکیک جنسیتی کنم! تفکیک جنسیتی مراسم روز دانشجو

عسگر دیرباز، رئیس اصولگرای دانشگاه قم که از دوران وزارت فرهاد دانشجو تا امروز در دانشگاه قم ابقا شده است در اقدامی عجیب دستور تفکیک جنسیتی مراسم روز دانشجو این دانشگاه را ابلاغ کرده است. مراسم روز دانشجو به صورت جداگانه برای دختران و پسران برگزار می‌شود. تفکیک جنسیتی که پیشتر در دانشگاه علامه و در دوران ریاست شریعتی در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد اعمال میشد و با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید و تغییر مدیریتی این دانشگاه از میان برداشته شد اینبار در بزرگترین دانشگاه دولتی قم و در مراسم شانزده آذر اعمال میشود. شنیده‌ها حاکی است اقدام مذکور با واکنش گسترده دانشجویان در اعتراض و تحریم این مراسم مواجه شده است. گفتنی است عسگر دیرباز پیشتر اعلام کرده بود که میخواهم نه تنها تمام دانشگاه‌های ایران که تمام دانشگاه‌های جهان را تفکیک جنسیتی کنم!

دانشجویان دانشکده نفت اهواز جهت حمایت از دانشجویان دانشکده

نفت آبادان، نیمی از غذای خود را برای این دانشکده ارسال کردند.



تحصن شبانه دانشجویان صنعت نفت



همچنان مسئولین این دانشگاه اقدامی برای رفع مشکل این دانشجویان نکرده‌اند. در پی اعتراضات پیاپی دانشجویان دانشگاه صنعت نفت آبادان، آموزش تا اطلاع ثانوی دانشکده راتعطیل کرد.

تهدید و احضار اعضای شورای صنفی برای انتشار واقعیت

تعدادی از اعضای شورای صنفی برای انتشار تصاویر دوغ‌های تاریخ گذشته به حراست دانشگاه احضار و تهدید شدند. دیروز پس از احضار تلفنی چند از تن اعضای شورای صنفی به حراست دانشگاه، این افراد تهدید شدند که اگر پستی که مبنی بر توزیع دوغ‌های تاریخ گذشته در سلف دانشگاه در کانال شورای صنفی قرار گرفت را اصلاح نکنیم، شکایت از ما به دادگاه خواهند برد. در کنار این که دانشگاه زیر بار توزیع دوغ‌های تاریخ گذشته نمی‌رود، خود عمل احضار دانشجویان به حراست بدون تحویل نامه کتبی به خود دانشجو، کاملاً غیر قانونی است. مسئولین حتی این موضوع را که دوغ‌ها فاسد بودند کاملاً کذب خواندند. حتی پس از صدور احکام کمیته انضباطی هم تهدیدها ادامه دارد. شورای صنفی دانشجویان دانشگاه صنعتی نوشیرونی بابل

روز دانشجو در پیش است

در تاریخ معاصر ما جنبش دانشجویی همواره نوعی پرچم و گواه برای حرکت مردم بوده است. در روزهای تلخ بعد از کودتا و در تاریکترین برهه از تاریخ ملت ما، زمانی که همه آرزوها بریاد رفته به نظر می‌رسید آنچه در شانزدهم آذر ۱۳۳۲ روی داد شاهدهی بود که معلوم می‌کرد روح مردم و خواسته‌های تاریخی‌شان هنوز زنده است. آن «سه قطره خون» و آن «سه آذر اهورایی» که روز دانشجو را پایه گذاشتند، اگر پس از نیم قرن هنوز از تازگی، درخشندگی و اهمیت برخوردارند، به خاطر آن است که نسبت به وجود و حیات و واقعیتهای عظیم‌تر در جان مردم شهادت دادند. این گواهی در سال‌ها و نسل‌های پس از آن نیز از سوی جنبش دانشجویی ادامه داشت و هنوز ادامه دارد. جامعه به دلایل بسیار گرایش‌های در حال تکوین در بطن خویش را پیش چشم کسانی که تنها به ظاهر آن می‌نگرند نمایان نمی‌کند. دگرگونی‌های بزرگ معمولاً متهمند که یکبارہ روی می‌دهند و از بازیگران سیاسی فرصت هماهنگ شدن با خود را دریغ می‌کنند. البته در حقیقت هیچ تحولی دفعتاً تحقق نیافته است؛ تنها بروز و ظهور تغییر هاست که شکلی دفعی دارد. در چنین شرایط گواهایی که از اعماق ناپیدای جامعه خبر می‌دهند به راستی ارزشمندند. انجمن اسلامی دانشجویان راه امید

